

دوفصلنامه زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی دانشگاه شیراز

سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

صص ۱۶۱-۱۷۶

## تکیه و نقش‌های آن در زبان هورامی

سیدمهدی سجادی\*

### چکیده

هدف از نگارش این مقاله بررسی جایگاه تکیه در طبقه واژه‌ها و نقش‌های آن در زبان هورامی، یکی از زبان‌های ایرانی نو شاخه شمال غربی، است. برای گردآوری داده‌ها، از ده گویشور بومی بی‌سواد این زبان در سنین بین ۳۰ تا ۸۰ سالگی از طریق مصاحبه در حدود پنج ساعت ثبت و ضبط داده‌ها انجام شده است. به علاوه، از شم زبانی نگارنده به عنوان گویشور بومی و منابع مکتوب در این زمینه به عنوان پیشینه پژوهش استفاده شده است. بررسی و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که تکیه در این زبان تمایزدهنده و دارای سه نقش و کارکرد می‌باشد: ۱. سبب تغییر معنی واژه می‌شود. ۲. موجب تغییر مقوله دستوری واژه می‌گردد. ۳. عامل شناسایی و تشخیص جنس دستوری در اسم‌ها و صفت‌های دارای نشانگرهای صوری یکسان است. جنس دستوری در اسم‌های مذکر و مؤنث مختوم به واکه‌های [a] و [i] و صفت‌های مذکر و مؤنث مختوم به واکه [a] از روی جایگاه تکیه قابل شناسایی است.

واژه‌های کلیدی: زبان هورامی، تکیه، جنس دستوری، مقوله دستوری.

m.sadjadi58@yahoo.com

\* دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۰۱/۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۱/۰۸

## ۱. مقدمه

تکیه<sup>۱</sup> یکی از ویژگی‌های زبان‌های گوناگون جهان است که گسترده‌ترین مطالعات و تحلیل‌های زبان‌شناختی را از آن خود کرده است. این شاید به این دلیل باشد که اغلب زبان‌های اروپایی زبان‌های تکیه‌ای هستند. به علاوه، این بررسی‌ها در طول تاریخ شاهد تحولات زیادی بوده است و این به سبب پیچیدگی مطالعه ساختاری تکیه در زبان‌های مختلف است. تکیه به دو شیوه اساساً متفاوت تعریف شده است: یکی در چارچوب خصیصه‌های آوایی آن و دیگری در چارچوب نقش زبانی‌اش (هایمن<sup>۲</sup>، ۱۳۶۸: ۳۱۵) و می‌تواند نقش‌های مختلفی در زبان داشته باشد. در این پژوهش تلاش می‌شود جایگاه تکیه در طبقه‌واژه‌ها<sup>۳</sup> و نقش‌های آن در زبان هورامی (گویش هورامان تخت)، یکی از زبان‌های ایرانی نو شاخه شمال غربی، مورد بررسی قرار گیرد. گویش هورامان تخت در بخش‌هایی از شهرستان سروآباد از توابع استان کردستان تکلم می‌شود. برای گردآوری داده‌ها، از ده گویشور بومی بی‌سواد این گویش در سنین بین ۳۰ تا ۸۰ سالگی از طریق مصاحبه در حدود ۵ ساعت ثبت و ضبط داده‌ها انجام شده است و به دنبال آن، این داده‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. به علاوه، از شم زبانی نگارنده به عنوان گویشور بومی این گویش و منابع مکتوب در این زمینه به عنوان پیشینه پژوهش استفاده شده است. پرسش اساسی که در این پژوهش تلاش می‌شود به آن پاسخ داده شود این است که: تکیه در زبان هورامی (گویش هورامان تخت) دارای چه نقش‌ها و کارکردهایی می‌باشد؟

---

<sup>1</sup> stress

<sup>2</sup> Hayman

<sup>3</sup> word class

## ۲. پیشینه پژوهش

در این بخش به برخی از پژوهش‌ها در رابطه با زبان هورامی که در آن‌ها به موضوع تکیه پرداخته شده باشد به اجمال اشاره می‌شود.

مکنزی<sup>۱</sup> (۱۹۶۶) در بخش اول اثر خود درباره گویش هورامان لُهن، اشاره‌ای گذرا به تکیه در گویش مذکور دارد و می‌گوید که تکیه نقش مهمی در این گویش بازی می‌کند؛ جایگاه تکیه به تنهایی یا بین صورت‌های مشابه تمایز می‌گذارد یا مستلزم پیامدهای ساختوازی خاصی است. هر واژه‌ای دارای یک تکیه ثابت است که جایگاه آن جز در برخی از الگوهای تصریفی خاص<sup>۲</sup> غیرقابل پیش‌بینی است. سپنجی (۱۳۸۸) می‌گوید که جایگاه تکیه در زبان هورامی (گویش پاوه‌ای) قابل پیش‌بینی است و عامل تعیین‌کننده جایگاه آن به طور کلی مقوله دستوری است یعنی در خارج از بافت جمله می‌توانیم جایگاه تکیه واژه را تعیین کنیم. سلیمی (۱۳۹۲) تکیه را نخستین پدیده زبرزنجیری<sup>۳</sup> برجسته در زبان هورامی (گویش پاوه‌ای) می‌داند. وی به صورت فهرست‌وار و همراه با مثال‌هایی تلاش نموده است جایگاه تکیه را در طبقه‌واژه‌ها در گویش مورد بررسی‌اش مشخص سازد.

همانگونه که ملاحظه می‌شود تاکنون هیچ پژوهش زبان‌شناختی به صورت مستقل درباره تکیه و نقش‌های آن در زبان هورامی به طور عام و گویش هورامان تخت به طور خاص انجام نشده است. به علاوه، اگر در پاره‌ای موارد نیز بنا به ضرورت و به فراخور موضوع اصلی پژوهش، به آن اشاره‌ای شده باشد به جایگاه آن در طبقه‌واژه‌ها اشاره شده است نه نقش‌ها و کارکردهای آن. در این پژوهش تلاش می‌شود این موضوع بررسی شود.

<sup>۱</sup> Mackenzie

<sup>۲</sup> certain inflectional patterns

<sup>۳</sup> suprasegmental

### ۳. ملاحظات نظری

تکیه یکی از مشخصه‌های نوایی<sup>۱</sup> است که به عنوان «قدرت آغازشگر»<sup>۲</sup> تعریف می‌شود. نشانه «IPA» برای آن، خطی عمودی و کوتاه ['] است که قبل از صدا یا هجای تکیه‌دار<sup>۳</sup> گذاشته می‌شود. در برخی کتاب‌ها، تکیه بر اساس میزان بلندی صدا تعریف شده است که تعریف مناسبی نیست چرا که میزان بلندی صدا از صدایی به صدای دیگری فرق می‌کند به عبارت دیگر، بعضی از صداها همیشه ذاتا از بعضی دیگر بلندتر یا رساترند بنابراین تکیه باید بر مبنای قدرت آغازشگر (مقدار انرژی لازم برای بیرون دادن هوا از شش‌ها) تعریف شود (کتفورد<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱: ۱۶۴). شدت از مشخصه‌های تکیه و عوامل دستوری و واج‌شناختی از عوامل تعیین‌کننده جای تکیه‌اند. تکیه دارای سه درجه است: نخستین، دومین و سومین. واژه‌ای نمی‌توان یافت که تمام هجاهایش دارای تکیه باشند و نیز هیچ واژه‌ای وجود ندارد که تمام هجاهایش بدون تکیه<sup>۵</sup> باشند (هایمن، ۱۳۶۸: ۳۱۶-۳۲۶). تکیه یکی از مشخصه‌های زبررنجیری است که نه تنها برای واژه‌ها و همخوان‌ها به صورت مجزا به کار می‌رود بلکه در مورد کل هجا کاربرد دارد. هجای تکیه‌دار نسبت به هجای بدون تکیه، با مقدار بیش‌تری انرژی تلفظ می‌شود و در جریان گفتار برجسته‌تر است، صداها تکیه‌دار آن‌هایی‌اند که گوینده برای تلفظ آن‌ها انرژی ماهیچه‌ای بیش‌تری صرف می‌کند. زبان انگلیسی و دیگر زبان‌های ژرمنی نسبت به بقیه زبان‌های دنیا بیش‌تر از تفاوت‌های مربوط به تکیه استفاده می‌کنند. در بسیاری از زبان‌ها، جایگاه تکیه در واژه ثابت است، در زبان چک، تکیه واژه‌ها بدون توجه به تعداد هجاهای آن‌ها، تقریباً همیشه روی هجای اول است و در لهستانی و سواحیلی،

<sup>۱</sup> prosodic features

<sup>۲</sup> initiator power

<sup>۳</sup> stressed syllable

<sup>۴</sup> Catford

<sup>۵</sup> unstressed

تکیه معمولاً روی هجای ماقبل آخر است. شاید یک روش مناسب برای توصیف تفاوت‌های مربوط به تکیه در میان زبان‌ها این باشد که زبان‌ها را از این لحاظ به سه گروه زیر تقسیم کنیم: ۱. زبان‌هایی که جایگاه تکیه در آن‌ها متغیر، واجی و غیرقابل پیش‌بینی است. چنین زبان‌هایی را زبان‌های تکیه‌ای می‌نامند. از آنجایی که در چنین زبان‌هایی تکیه ممکن است در یک واژه روی هجای اول و در واژه دیگر روی هجای دیگری قرار گیرد لذا گفته می‌شود که تکیه در چنین زبان‌هایی واجی (تقابل‌دهنده) است مثل انگلیسی، آلمانی و روسی. ۲. زبان‌هایی که جایگاه تکیه در آن‌ها ثابت، غیرواجی و قابل پیش‌بینی است مثل چک، لهستانی، سواحیلی، مجارستانی، ترکی و فارسی. ۳. زبان‌هایی که تکیه گروهی ثابت<sup>۱</sup> دارند مثل فرانسوی (لدفوگد<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶: ۲۴۳، هایمن، ۱۳۶۸: ۳۱۶، مشکوه‌الدینی، ۱۳۸۵: ۱۱۷ و بی‌جن‌خان، ۱۳۹۲: ۵۴). تکیه میزان نیروی لازم برای تولید هجا است. هجای تکیه‌دار نسبت به هجای بدون تکیه برجسته‌تر است (کریستال<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳: ۴۳۵). تکیه از نظر تولید از ترکیب مختصه‌های تغییر در فشار هوا، اختلاف در درجه زیر و بمی و تفاوت در کشش واکه‌ای حاصل می‌شود و از نظر شنیداری بیش‌تر به رسایی تعبیر می‌شود. آواشناسان تکیه را از نظر کمیت به تکیه تاکیدی<sup>۴</sup> که دارای حداکثر فشار هوا، تغییرات زیر و بمی، کشش واکه‌ای و رسایی است، تکیه نخستین که از نظر مختصه‌های چهارگانه مذکور نسبت به تکیه تاکیدی با درجه پایین‌تری ظاهر می‌شود، تکیه دومین که درجه شدت مختصه‌های آوایی چهارگانه در آن کم‌تر از درجه آن‌ها در تکیه نخستین است و تکیه سومین که در آن مختصه‌های چهارگانه نسبت به سایر تکیه‌ها با کم‌ترین درجه ظاهر می‌شود، تقسیم

<sup>۱</sup> fixed phrase stress

<sup>۲</sup> Ladefoged

<sup>۳</sup> Crystal

<sup>۴</sup> emphatic stress

می‌کنند. علاوه بر این تقسیم‌بندی که براساس ملاحظات کمی قرار دارد تکیه را براساس کیفیت آوایی آن و نقشی که هر یک از مختصه‌های آوایی در آن بازی می‌کنند به تکیه فشاری و زیر و بمی تقسیم می‌کنند، در تکیه فشاری، مختصه فشار هوا نسبت به سایر مختصه‌ها نقش عمده را بازی می‌کند و در تکیه زیر و بمی، مختصه زیر و بمی دارای نقش اصلی است، تکیه در زبان فارسی از نوع زیر و بمی و در زبان انگلیسی از نوع فشاری است (حق‌شناس، ۱۳۸۶: ۱۲۲-۱۲۴). زبان فارسی از جمله زبان‌هایی است که در آن نقش تکیه در محور جانشینی بسیار ناچیز است زیرا تعداد کلماتی که وجه تمایز آن‌ها ناشی از تکیه است بسیار اندک هستند. در زبان فارسی تنها چهار کلمه «گویا، ولی، باری و عاری» وجود دارند که در هر کدام از آن‌ها تغییر جایگاه تکیه منجر به تمایز معنایی می‌شود که در مجموع هشت مدخل واژگانی به دست می‌آید. به طور کلی تکیه را در دو سطح می‌توان در نظر گرفت: یکی مؤکدشدن هجاها در درون کلمات و دیگری مؤکدشدن کلمات در درون جمله. نقش تکیه در هر حالت برجسته ساختن برخی هجاها نسبت به هجاهای دیگر است (بی‌جن‌خان، ۱۳۹۲: ۵۲، ۵۴، ۵۵). تغییر جایگاه تکیه در زبان فارسی دارای دو نقش است: تغییر معنای واژه و مقوله دستوری (مدرسی‌قوامی، ۱۳۹۰: ۱۱۵-۱۱۶). در زبان کردی (سورانی) هم دقیقاً چنین است (رخزادی، ۱۳۹۰، ۹۰).

#### ۴. تکیه در زبان هورامی

در این بخش، جایگاه تکیه در طبقه واژه‌های اسم/ضمیر، صفت، قید، فعل و نیز نقش‌ها و کارکردهای آن بررسی می‌شود.

## ۴-۱. تکیه در اسم‌ها

در اسم‌ها تکیه معمولاً روی هجای پایانی است مانند: «ga'ʔa = برگ (درخت)»، «hi'ta = جفت (کفش و غیره)». البته در برخی موارد هم تکیه بر روی هجای نخستین دیده می‌شود از جمله این موارد، اسامی مؤنث مختوم به واکه‌های بدون تکیه «-a» و «-i» هستند: «hita = شخم» و «savi = سیب». در بخش پنجم بیشتر به این موارد پرداخته می‌شود. اگر جایگاه تکیه اسم‌های نوع اول (اسم‌هایی که تکیه‌شان روی هجای پایانی است) عوض شود یعنی به جای هجای دوم یا آخر، هجای اول آن‌ها تکیه‌دار باشد آن وقت منادا هستند: «sa'ʔa = کوتاه‌شده صالح (اسم خاص) / sa'ʔa = ای صالح!». تغییر جایگاه تکیه در اسم‌های نوع دوم (اسم‌هایی که تکیه آن‌ها روی هجای نخستین است) سبب می‌شود معنی، مقوله دستوری و یا هر دوی آن‌ها عوض شود: «hita = شخم / hi'ta = جفت (کفش و غیره)»، «savi = سیب (اسم) / sa'vi = تیز می‌کنی (فعل)»، «kaʔaka = دیوار سنگی / kaʔa'ka = بز کوهی نر (معرفه)».

## ۴-۲. تکیه در ضمائر

برخلاف اسم‌ها، تکیه در ضمائر در حالت بی‌نشان روی هجای نخستین می‌باشد: «ʔa'e = آنها»، «ʔa'a = او (مؤنث)»، غیر از ضمیر اول شخص جمع و ضمائر اشاره که تکیه آن‌ها روی هجای پایانی است: «e'ma = ما»، «ʔi'na = این (مذکر)»، «ʔi'ne = این (مؤنث)، این‌ها». اگر جایگاه تکیه گروه دوم (ضمائری که تکیه آن‌ها روی هجای

<sup>۱</sup> این، همخوانی ناسوده، دندانی و واکنار است. برای تولید آن نوک زبان به دندان‌های بالا نزدیک می‌شود بدون آن‌که با آن‌ها تماس پیدا کند. در ابتدای واژه ظاهر نمی‌شود، محل وقوع آن، محیط بین دو واکه، پایان واژه پس از واکه و در خوشه آغازی به عنوان عضو دوم خوشه است (کامبوزیا و سجادی، ۱۳۹۲: ۶۸).

پایانی است) عوض شود یعنی به جای هجای پایانی، هجای نخستین آن‌ها تکیه‌دار باشد به صورت سؤالی درمی‌آیند: «ma?e/ma?e=ma?e/ma?e»، «?i'na = این (مذکر)/?i'na = این (مذکر) است؟». تغییر محل تکیه ضمائر نوع اول (آن‌هایی که تکیه‌شان روی هجای نخستین است) هیچ‌گونه تغییری در معنی یا مقوله دستوری ایجاد نمی‌کند و اساساً این تغییر، واژه‌ای موجود در زبان هورامی نمی‌سازد.

#### ۳-۴. تکیه در صفت‌ها

تکیه در همه صفت‌ها معمولاً روی هجای پایانی می‌باشد: «waf'le = دوست‌داشتنی (مؤنث)»، «ba'la'barz = بلندقد (مذکر)»، «jaga'dar = جانشین؛ مفید (مذکر)». در صورت تغییر محل تکیه، منادا می‌شوند یعنی اگر تکیه روی هجای اول قرار گیرد: «waf'le = دوست‌داشتنی (مؤنث)»، «waf'le = ای دوست‌داشتنی (مؤنث)»، «dʒwan'χas = خوش‌تیپ (مذکر)»، «dʒwan'χas = ای خوش‌تیپ (مذکر)!».

#### ۴-۴. تکیه در قیدها

قیدها از نظر ساختاری دو دسته‌اند: ساده و مرکب. در قیدهای ساده تکیه روی هجای پایانی است: «sa'ba = فردا»، «he'zi = دیروز»، «ga'has = شاید»، «fen'aj = آهسته، آرام آرام». برخلاف قیدهای ساده، در قیدهای مرکب تکیه روی هجای نخستین قرار می‌گیرد: «'fave-na = در شب»، «'fo-na = در روز»، «'pa-va = در آن‌جا (در آن بالا) / ایستاده». قیدهای مرکب از یک اسم به اضافه پسوندهایی قیدساز مانند («-na = در»، «-va = روی، در» و غیره) ساخته می‌شوند. تغییر محل تکیه قیدها، واژه‌ای موجود در زبان هورامی به دست نمی‌دهد.

## ۴-۵. تکیه در فعل‌ها

در این قسمت، تکیه در فعل‌های امر، نهی، زمان‌های ساده (حال و گذشته)، زمان‌های استمراری (حال و گذشته)، زمان‌های کامل (حال و گذشته) و ماضی التزامی بررسی می‌شود.

## ۴-۵-۱. تکیه در فعل‌های امر و نهی

فعل‌های امر از «ستاک حال<sup>۱</sup> فعل + شناسه<sup>۲</sup>» و نهی از «تکواژ نهی + ستاک حال فعل + شناسه» ساخته می‌شوند. در هر دو نوع فعل، تکیه روی هجای نخستین فعل قرار می‌گیرد به این صورت که در فعل‌های امر روی هجای اول ستاک حال و در فعل‌های نهی روی تکواژ نهی واقع می‌شود: «bar-a = بَر»، «for-de = بشوید»، «ma-vaɬf-a = نگو»، «ma-war-de = نخورید». تغییر محل تکیه در برخی از فعل‌های امر سبب می‌شود هم معنی و هم مقوله دستوری آن‌ها تغییر کند: «bar-a = ببر (فعل) / ba'ra = در (اسم)». تغییر جای تکیه در فعل‌های نهی به طور کلی و برخی از فعل‌های امر، واژه‌ای موجود ایجاد نمی‌کند.

## ۴-۵-۲. تکیه در فعل‌های زمان حال ساده و گذشته ساده

فعل زمان حال ساده از «ستاک حال فعل + شناسه» ساخته می‌شود. در افعال زمان حال ساده، تکیه روی هجای پایانی ستاک حال است. اگر ستاک حال تک‌هجایی باشد همخوان پایانی آن با واکه شناسه یک هجا را تشکیل می‌دهد: «fo'ɾ-u = می‌شویم»، «wla'vən-de = گم می‌کنید»، «mu's-a = می‌خوابند». اگر جای تکیه فعل در زمان حال

<sup>۱</sup> present stem

<sup>۲</sup> inflectional ending

ساده عوض شود یعنی هجای نخستین تکیه‌دار باشد در آن صورت مضارع التزامی خواهیم داشت: «wa'r-o = می‌خورد/war-o = بخورد»، «fo'r-u = می‌شویم /for-u = بشویم».

فعل گذشته ساده از «ستاک گذشته<sup>۱</sup> فعل + شناسه» ساخته می‌شود. تکیه در فعل‌های زمان گذشته ساده، روی هجای نخستین ستاک گذشته می‌باشد: «vat-ət = گفتی»، «gleraj-de = افتادید(افقی)»، «kawt-era = افتادند (از بالا به پایین/ عمودی). تغییر محل تکیه در این فعل‌ها، واژه‌ای موجود درست نمی‌کند.

#### ۴-۵-۳. تکیه در فعل‌های زمان حال استمراری و گذشته استمراری

فعل زمان حال استمراری از «ستاک حال به صورت اتباع ناقص<sup>۲</sup> + شناسه» و گذشته استمراری از «ستاک حال به صورت اتباع ناقص + تکواژ گذشته + شناسه» درست می‌شود. در همه آن‌ها تکیه روی هجای دوم ستاک حال است: «wa'rajwar-u = دارم می‌خورم»، «do'fajdoj-de = دارید می‌دوشید»، «wa'rajwar-en-a = داشتم می‌خوردم»، «ke'fajkef-en-e = داشتند می‌کشیدند». تغییر جای تکیه در این افعال واژه‌ای موجود به دست نمی‌دهد.

#### ۴-۵-۴. تکیه در فعل‌های زمان حال کامل، گذشته کامل و ماضی التزامی

زمان حال کامل از «ستاک گذشته + تکواژ حال کامل<sup>۳</sup> (-an/an-) + شناسه»، زمان گذشته کامل از «ستاک گذشته + تکواژ گذشته کامل<sup>۴</sup> (-be-) + شناسه» و ماضی التزامی از

<sup>۱</sup> past stem

<sup>۲</sup> partial reduplication

<sup>۳</sup> معادل «استن(مضارع بودن)» در فارسی است.

<sup>۴</sup> معادل «بودن» در فارسی است.

«ستاک گذشته+ تکواژ ماضی التزامی<sup>۱</sup> (-bo-) + شناسه» ساخته می‌شود. تکیه در همه آن‌ها، روی هجای پایانی ستاک گذشته است. در افعال زمان حال کامل، هسته هجای پایانی ستاک گذشته، واکه تکواژ حال کامل است: «sof'n-an-ma = سوزانده‌ایم»، «dər'j-an-əf = پاره کرده است»، «va'ta-be-m = گفته بودم»، «koj'ta-be-ta = کشته بودید»، «vra'sa-bo-ma = دوخته باشیم»، «for'ta-bo-t = شسته باشی». تغییر جایگاه تکیه در این افعال، از آن‌ها صورت سؤالی می‌سازد یعنی اگر تکیه روی هجای اول قرار گیرد: «'dərj-an-əf? = پاره کرده است؟»، «'kojta-be-ta? = کشته بودید؟»، «'forta-bo-t? = شسته باشی؟».

باتوجه به داده‌های موجود در بخش‌های (۴-۱ تا ۴-۵)، در می‌یابیم که تکیه در زبان هورامی تمایزدهنده است چراکه تغییر جایگاه آن در بیش‌تر طبقه‌واژه‌ها (اسم‌ها، گروه دوم از ضمائر، صفت‌ها، برخی از افعال امری، افعال زمان حال ساده، حال کامل، گذشته کامل و ماضی التزامی)، موجب تغییر معنی و مقوله دستوری واژه می‌شود:

#### جدول ۱. تغییر جایگاه تکیه، سبب تغییر معنی واژه می‌شود

اسم	معادل فارسی	تغییر معنی	اسم	معادل فارسی
'boʎa	دانه انگور	→	bo'ʎa	مین مین
'saʎa	سال	→	sa'ʎa	کوتاه‌شده صالح (اسم خاص)
'hita	شخم	→	hi'ta	جفت (کفش)

<sup>۱</sup> معادل «مضارع ساده (باشیدن)/ مضارع (بودن)» در فارسی است.

جدول ۲. تغییر جایگاه تکیه، موجب تغییر مقوله دستوری واژه می‌گردد.

واژه	مقوله دستوری	معادل فارسی	تغییر مقوله دستوری	واژه	مقوله دستوری	معادل فارسی
'pava	قید	در آن‌جا (در آن بالا)	→	pa'va	اسم	نام شهری است.
'bara	فعل امر	ببر	→	ba'ra	اسم	دَر (خانه)
'savi	اسم	سیب	→	sa'vi	فعل زمان حال ساده	تیز می‌کنی

### ۵. تکیه و مقوله جنس دستوری در زبان هورامی

مقوله جنس دستوری در زبان هورامی مقوله‌ای دوشقی است. تمام اسم‌ها و صفت‌ها یا مذکر هستند یا مؤنث. آوای پایانی واژه ملاک تشخیص جنس دستوری آن است (سجادی، ۱۳۹۴: ۱۱۸، ۱۵۲): «rodz'jar = خورشید (مذکر)»، «fam'fa = قاشق (مذکر)»، «manga = ماه (مؤنث)»، «fo'fje = روزه (مؤنث)».

جدول ۳. نشان‌گرهای صوری جنس دستوری اسم‌ها در زبان هورامی

(سجادی، ۱۳۹۴: ۱۱۸، ۲۱۵)

اسم مؤنث	اسم مذکر
۱. مختوم به واکه‌های بدون تکیه «-i، -a» و تکیه‌دار «-e»	۱. مختوم به همخوان
۲. مختوم به واکه تکیه‌دار «-a»	۲. مختوم به واکه‌های تکیه‌دار «-i، -a، -o، -u، -a»
۳. مختوم به همخوان «-j»	۳. مختوم به همخوان «-j»

اگر جایگاه تکیه اسم‌ها عوض شود یعنی به جای هجای دوم، هجای اول آن‌ها تکیه‌دار باشد آن‌گاه منادا هستند: «ma'mo = عمو / 'mamo = ای عمو!».

صفت‌ها هم دارای تمایز جنس دستوری هستند یعنی در جنس دستوری با اسم مطابقت دارند. صفات مختوم به همخوان یا واکه‌های تکیه‌دار «-a, -'a, -'i» مذکر و صفات مختوم به واکه بدون تکیه «-a» و تکیه‌دار «-e» مؤنث هستند (سجادی، ۱۳۹۴: ۱۱۸، ۱۵۲): «barz = بلند، بلندقد (مذکر)»، «f̄ar'ma = سفید (مذکر)»، «barza = بلند، بلندقد (مؤنث)»، «f̄ar'me = سفید (مؤنث)».

اگر جایگاه تکیه در صفات نیز عوض شود یعنی به جای هجای آخر، هجای اول آن‌ها تکیه‌دار باشد آن‌گاه منادا می‌شوند: «waf'fa = دوست‌داشتنی (مذکر) / 'waf̄fa = ای دوست‌داشتنی (مذکر)»، «waf'fe = دوست‌داشتنی (مؤنث) / 'waf̄fe = ای دوست‌داشتنی (مؤنث)».

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود هم اسم‌های مذکر و هم مؤنث به واکه‌های «-a, -i» ختم می‌شوند به عبارت دیگر؛ این دو واکه هم در پایان اسم‌های مذکر و هم مؤنث می‌آیند و آن‌چه که باعث تشخیص جنس دستوری آن‌ها می‌شود تکیه است یعنی اسم‌های مختوم به واکه‌های تکیه‌دار «-a, -'i» مذکر و اسم‌های مختوم به واکه‌های بدون تکیه «-a, -i» مؤنث هستند.

هم صفت‌های مذکر و هم مؤنث به واکه «-a» ختم می‌شوند به عبارت دیگر؛ این واکه هم در پایان صفت‌های مذکر و هم مؤنث دیده می‌شود و براساس تکیه باید جنس دستوری صفت مورد نظر را مشخص کرد به طوری که صفت‌های مذکر به واکه تکیه‌دار «-a» و صفت‌های مؤنث به واکه بدون تکیه «-a» ختم می‌شوند. بنابراین، تکیه در زبان هورامی علاوه بر دو نقش و کارکردی که قبلاً به آن‌ها اشاره شد دارای کارکرد

دیگری نیز می‌باشد یعنی عامل تشخیص و شناسایی جنس دستوری در اسم‌ها و صفت‌های دارای نشانگرهای صوری یکسان است.

## ۶. نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد جایگاه تکیه در طبقه‌واژه‌ها و نقش‌های آن در زبان هورامی (گویش هورامان تخت) بررسی شود. برای این منظور، نخست جایگاه تکیه در طبقه واژه‌ها بررسی و مشخص شد که در این گویش تکیه در اسم‌ها روی هجای پایانی (غیر از اسامی مؤنث مختوم به واکه‌های بدون تکیه «-a» و «-i» که تکیه آن‌ها روی هجای نخستین است)، در ضمائر روی هجای نخستین (غیر از ضمیر اول شخص جمع و ضمائر اشاره که تکیه آن‌ها روی هجای پایانی است)، در صفت‌ها روی هجای پایانی، در افعال امر و نهی روی هجای نخستین، در فعل‌های زمان حال ساده روی هجای پایانی ستاک حال، در فعل‌های زمان گذشته ساده روی هجای نخستین ستاک گذشته، در فعل‌های زمان حال استمراری و گذشته استمراری روی هجای دوم ستاک حال، در فعل‌های زمان‌های حال کامل، گذشته کامل و ماضی التزامی روی هجای پایانی ستاک گذشته، در قیده‌های ساده روی هجای پایانی و در قیده‌های مرکب روی هجای نخستین قرار می‌گیرد. همچنین نشان داده شد که تکیه در این گویش تمایزدهنده و دارای سه نقش و کارکرد می‌باشد: ۱. باعث تغییر معنی واژه می‌شود. ۲. موجب تغییر مقوله دستوری واژه می‌گردد. ۳. عامل تشخیص جنس دستوری در اسم‌ها و صفت‌های دارای نشانگرهای صوری یکسان می‌باشد. این در حالی است که تکیه در زبان‌هایی مانند فارسی و کُردی (سورانی) تنها منجر به تغییر معنی و مقوله دستوری آن هم در تعداد خیلی اندکی از واژه‌ها (در مورد فارسی) می‌شود یعنی تنها دارای دو نقش و کارکرد

می‌باشد. بر این اساس، می‌توان گفت که هورامی جزو زبان‌های تکیه‌ای است یعنی جایگاه تکیه در آن متغیر، واجی و غیرقابل‌پیش‌بینی است و لذا تقابل‌دهنده است. نتایج این پژوهش می‌تواند در دستورنویسی، مطالعات تاریخی و رده‌شناسی زبان‌های ایرانی مورد استفاده قرار گیرد.

### فهرست منابع

- بی‌جن‌خان، محمود (۱۳۹۲) *نظام آوایی زبان فارسی*، تهران: سمت.
- حق‌شناس، علی محمد (۱۳۸۶) *آواشناسی (فونتیک)*، تهران: آگاه.
- رخزادی، علی (۱۳۹۰) *آواشناسی و دستور زبان گُردی*، سنندج: انتشارات کردستان.
- سپنجی، سعدی (۱۳۸۸) «آواشناسی زبان اورامی (پاوه)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- سجادی، سید مهدی (۱۳۹۴) *جنس دستوری در زبان هورامی*، مریوان: نه‌وین.
- سلیمی، منصور (۱۳۹۲) *بررسی و توصیف زبان هورامی و گویش پاوه‌ای*، تهران: احسان.
- کامبوزیا، عالیه کرد زعفرانلو و سیدمهدی سجادی (۱۳۹۲) «ساخت هجا در زبان هورامی (گویش هورامان تخت)»، *فصلنامه مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*، سال اول، شماره ۲، صص ۵۷-۷۸.
- مدرسی‌قوامی، گلناز (۱۳۹۰) *آواشناسی: بررسی علمی گفتار*، تهران: سمت.
- مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۸۵) *ساخت آوایی زبان فارسی*، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- هایمن، لاری ام. (۱۳۶۸) *نظام آوایی زبان: نظریه و تحلیل*، ترجمه یدالله ثمره، تهران: فرهنگ معاصر.

- Catford, J. C. (2001) *A Practical Introduction to Phonetics*, Oxford: Clarendon Press.
- Crystal, David (2003) *A Dictionary of Linguistics & Phonetics*, Oxford: Blackwell.
- Ladefoged, Peter (2006) *A Course in Phonetics*, Thomson Wadsworth.
- Mackenzie, D. N. (1966) *The Dialect of Awroman (Hawrāmān-ī Luhōn): Grammatical Sketch, Texts, and Vocabulary*, Denmark: København.